

مقاله‌ای در معرفی
کتاب مستطاب اودس

تألف
بدیع الله فرید

چاپ دوم

دفتر امور احبای ایرانی / امریکائی
محل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده

ویلیمت - ۱۵۰ بدیع

An Essay
on the
Kitáb-i-Aqdas

Badí`ulláh Faríd

Second Edition

Persian/American Affairs Office
National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of the United States
Wilmette, Illinois © 1993

چاپ اول

این مقاله در معرفی کتاب مستطاب اقدس بمناسبت یکصدمین سال
نزول آن سفر کریم تهیه و تنظیم و از طرف محفل روحانی بهائیان
طهران در سال ۱۳۰ بدیع منتشر گردید

مقاله‌ای در معرفی

کتاب مستطاب اقدس

تألیف:

بدیع‌الله فرید

چاپ دوم

دفتر امور احبای ایرانی / امریکائی

محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده

ویلمت ۱۹۹۳

فهرست

<u>صفحه</u>	<u>موضوع</u>
۱	مقدمهٔ نشر دوم
۳	مقدمه
۷	موقع و شرح نزول و تسمیه کتاب
۱۰	مرجعیت، عظمت، القاب و نامهای دیگر کتاب اقدس
۱۶	نظری به بعضی آیات کتاب اقدس
۲۵	خطابات به علماء و زمامداران و اهل بیان
۲۹	احکام نازل در کتاب اقدس و اقسام آن
۳۶	سبک و شکل ظاهر کلمات
۳۸	رساله سؤال و جواب
۴۰	کتاب اقدس واضع صراط مستقیم امر الهی
۴۲	نسخه‌های کتاب اقدس
۴۴	مآخذ و منابع

مقدمه نشر دوّم

مقاله‌ای که خوانندگان عزیز ملاحظه می‌فرمایند نخست در سال ۱۳۰ بدیع مطابق با ۱۳۵۲ شمسی و ۱۹۷۳ میلادی توسط مؤسسه مطبوعات امری ایران چاپ و منتشر گردید. سبب نگارش و انتشار مقاله در آن سال بشرحی که در صفحه آخر آن آمده جشن صدمین سال نزول کتاب مستطاب اقدس در بیت عبود در عکا بود. از جمله وقایع عمده آن سال در عالم امر تنظیم و انتشار تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس "بزبان انگلیسی بود که بوسیله بیت العدل اعظم الهی در رضوان ۱۳۰ بدیع (اپریل ۱۹۷۳) در اختیار عالم بهائی قرار گرفت.

در مقدمه آن مجموعه معهد اعلیٰ چنین فرموده‌اند:

"حضرت ولیّ امرالله در اواخر ایام تدوین حدود و احکام کتاب اقدس را از اهداف نقشه جهاد دهساله مقرر فرموده بنفسه المقدّس با اجرای آن اقدام نمودند و طرح کلی این رساله را بزبان انگلیسی و حواشی و توضیحاتی بزبان فارسی تهیه نمودند. از جمله اهدافی که بیت العدل اعظم برای نقشه نه ساله مشخص نمودند تکمیل تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس بود. قسمت عمده این وظیفه را هیکل مبارک حضرت ولیّ امرالله انجام داده بودند و بیت العدل اعظم این مهم را طبق طرحی که حضرت ولیّ امرالله باقی گذاشته بودند به پایان رساندند."

شاید به این علت که یاران ایران اکثراً با محتوا و متن

کتاب مستطاب اقدس مأنوس بودند "تلخیص و تدوین حدود و احکام ... " به فارسی ترجمه نگردید* ولی به اشاره محفل روحانی بهائیان طهران شهید مجید جناب بدیع الله فرید این جزوه را در معرفی کلی کتاب مستطاب اقدس تألیف فرمودند.

حال بمناسبت انتشار کتاب مستطاب اقدس در سال مقدّس در سراسر جهان این جزوه که فتح بابی است برای مطالعه و مذاقه در متن امّ الکتاب دور بهائی تجدید چاپ میگردد تا مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد.

نسخه حاضر شامل اضافاتی است از قبیل مآخذ آیات و نصوصی که در جزوه نقل گردیده است. این امر بهمت مرکز مطالعه آثار و نصوص مبارکه در مرکز جهانی بهائی انجام شده است. در معدودی موارد نصوص مبارکه با مراجعه به اصل معتبر در این جزوه ارائه گردیده است.

ناشر بدینوسیله مراتب سپاس و امتنان خود را به ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی که انتشار این جزوه را جایز دانستند و نیز به مرکز مطالعه آثار و نصوص مبارکه معهد اعلی که مآخذ آثار مبارکه را استخراج نمودند تقدیم مینماید.

امید است مطالعه این جزوه یاران رحمانی را در اجرای احکام و حدود آئین یزدانی و متابعت از تعالیم و شعائر امری یاری نماید و زندگانی روزمره اعضا جامعه بهائی نمونه حیات بهائی گردد. لازم به یادآوری است که اگر چه اجرای احکام کتاب مستطاب اقدس برای یاران ایرانی در هر کشوری که ساکن باشند واجب است ولکن یاران غیر ایرانی تنها موظف به مراعات آن تعالیمی هستند که تاکنون از مرکز امر به آنان ابلاغ گردیده است.

* لجنة ملی امور احوالی ایرانی/امریکائی در ایالات متحده در سال ۱۹۸۵ متن آنرا ترجمه نمود و انتشار داد.

مقدمه

برای محققین از اهل ادیان و بطور کلی کسانی که در مکتب دیانت پرورش یافته و با اصطلاحات دینی مأنوسند اغلب این سؤال پیش آمده است که کتاب دینی اهل بهاء کدامست و آن مجموعه‌ای که از عالم ملکوت در این دور بر مرتب‌ی الهی فرو فرستاده شده چیست و چه نام دارد و مشتمل بر چه موضوعات و مطالبی است؟ در قبال چنین پرسشی توضیح و بیان دو واقعیت ضروری است: اول آنکه چون مدت زمان زیادی از طلوع و ظهور شارعین مقدّس ادیان قبل گذشته و تعالیم و احکام آنان جمع و تدوین شده و بصورت کتابی واحد شکل گرفته است اکثریت پیروان ادیان از کتاب آسمانی خود این تصور و عقیده را پیدا کرده‌اند که تورا، انجیل و قرآن بهمین صورت فعلی خود یعنی مجموعه‌ی اوراق مرتب و جلد شده با تعداد سور و آیات معین و متوالی بر پیمبران عظام نازل شده و بهمین شکل و فرم نیز اولین بار بر مردم عرضه شده است و باین حقیقت کمتر وقوف دارند که کتب آسمانی با آنکه عموماً متضمن وحی و کلام الهیه میباشند معذک هر یک بنوعی و در زمانی کم و بیش بعد از خاتمه حیات ظاهری شارع دیانت تنظیم و ترتیب و تدوین یافته است. بحث و تحقیق در چگونگی تدوین هر یک از کتب مقدّسه الهی داخل در موضوع گفتار فعلی ما نیست بلکه مقصود توجه باین نکته دقیق و اساسی

است که نزول کلام الهی بصورت کتابهای معین و شناخته شده و الواح و رساله‌های معلوم‌الابتداء و الانتها بخط و مهر مظهر الهی و حتی بطبع رسیده در زمان حیات شارع منحصر باین دور اعظم است و کتب و الواح و توقیعات کثیره از حضرت نقطه اولی و جمال اقدس ابهی بشکل و صورت اصلی نزولی موجود است که طبع شده آنها بزبانهای مختلف منتشر و در کتابخانه‌های مهم جهان مضبوط است.

قبل از این ظهور اعظم تنها در مورد قرآن کریم چنین اطلاعی در دست است که در احیان نزول وحی بر وجود گرامی پیغمبر اسلام آیات و مطالب بطور متناوب و متفرق بر لسان مبارک جاری میشد و بوسیله کُتَّاب وحی بر روی پوست آهو یا بر استخوان نوشته میشد. این نوشته‌ها سپس در زمان خلفا مخصوصاً خلیفه سوم جمع‌آوری شد که پس از مقابله نسخه‌های مورد اعتماد و قرائات مختلف و حذف مکررات بصورت کتابی واحد تدوین و منتشر گشت. در مورد کتب مقدسه تورات و انجیل گرچه همانطور که مذکور شد هر دو متضمن وحی الهی میباشند ولی تنظیم و تدوین آنها بطوریکه از متن هر دو کتاب بر میآید بدین ترتیب بوده است که کلام الهی نازل بر حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما الصلوة والسلام در دوره حیات آنان نه بوسیله خود شارع نوشته شد و نه بوسیله دیگران و کلامی را که مؤمنین و حواریون از گفتار حضرت عیسی بخاطر سپرده بودند در سالهای بعد که حداقل آن سی تا شصت سال بعد از به صلیب کشیدن حضرت عیسی بود برشته تحریر و نگارش در آوردند. در واقع میتوان گفت که کتب مقدسه تورات و انجیل عبارت از شرح زندگانی و اعمال و گفتار مؤسسین آن ادیان است که بعدها در صفحات کتاب ضبط گردیده و بتدریج در سراسر جهان منتشر شده است.

واقعیت دیگر آنکه آثار نازله از قلم حضرت بهاءالله جل ذکرة الاعلی چه از جهت مقدار و چه از لحاظ تعدد موضوع بقدری

زیاد است که بعد از گذشت ۱۲۹ سال از تاریخ این امر با وجود مجموعه‌های متعددی که از آثار آن حضرت طبع و نشر شده الواح کثیره دیگر نیز وجود دارد که تدوین و انتشار مجموعه‌های جدیدی از آنها مستمراً ادامه دارد و اینهمه آثار نفیسه بخط و اثر مهر شناخته شده آن حضرت موجود و همانطور که اشاره رفت کثیری از آنها قبل از صعود، در جهان انتشار یافت. در اینمورد در کتاب اقدس چنین مندرج است قوله العزیز:

"قد زینت الالواح بطراز ختم فالق الاصباح الذی ینطق بین السموات و الارضین" (۱)

و نیز در خصوص کثرت آیات نازل در یکی از الواح چنین میفرمایند قوله تعالی:

"بشأنی از غمام فضل امریه و سحاب فیض احدیه هاطل که در یک ساعت معادل الف بیت نازل ... الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهده بر آید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربّانی نازل میشود ... (۲)

در کتاب قرن بدیع God Passes By که از آثار نفیسه حضرت ولیّ امرالله است عدد الواح و آثار منیعه حضرت بهاءالله را بالغ بر صد مجلد ذکر فرموده‌اند.

بهر حال مقصود از بیان این مقدمه آنست که آثار و الواح نازل از قلم جمال قدم جل اسمه الاعظم از جهت سندیت و قاطعیت و اطلاق کلام الهی بر آنها عموماً در یک رتبه و درجه محسوبند و از این لحاظ تفاوت و امتیازی بین آنها مشهود نیست. اما از جهت جامعیت و شمول هر لوح و اثری بر مواضع متعدده از قبیل حلّ مسائل علمی و فلسفی و یا بیان تکالیف افراد مؤمنین و مخصوصاً تعیین قوانین اتحاد و وحدت جامعه بشری و هدایت مدّعیان رهبری جوامع انسانی، مسلم است که برخی از آثار آنحضرت دارای مقام و رتبه مخصوصی بوده و سهم بیشتری در هدایت فرد و جامعه بعهد دارند. چنانچه فی‌المثل حضرت

عبدالبهاء جلّ ثنائه در الواح وصایا در ذکر اصول عقاید اهل بهاء
پس از بیان لزوم اعتقاد به مقام مظهریت و شاریعت حضرت نقطه
اولی و جمال اقدس ابهی عزّ اسمهما میفرمایند:
"مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع
به بیت عدل ... (۳)"

و نیز آنحضرت برای آنکه پویندگان راه حقیقت و افراد مؤمنین
بنای عمل و اعتقادشان بر معرفت شخصی و تحری حقیقت استوار
بوده و باصل و اساس این دیانت درباره چگونگی اندیشه و اخلاق
فردی و همچنین هدف جهانی و انسانی آن و برنامه و اصولی که
برای سعادت جامعه طرح کرده است اطلاع پیدا کرده و عامل
گردند مطالعه دقیق الواح بخصوصی را توصیه میفرمایند قوله
الکریم:

"کلمات مکنونه تلاوت نمائید و بمضمون دقت کنید و
بموجب آن عمل نمائید. الواح طرازات و کلمات و
تجلیات و اشراقات و بشارات را به امعان نظر بخوانید و
بموجب آن تعالیم الهیه قیام نمائید تا آنکه هر یک شمعی
روشن گردید و شاهد انجمن شوید." (۴)

و چون کتاب مستطاب اقدس از جهت جامعیت و شمول بر
مواضیع مهمه عرفان و عمل مقام مخصوصی را حائز است لذا
بمناسبت صدمین سال نزول آن سفر کریم شرح مختصری را با
استمداد و کسب هدایت از روح آیات آن کتاب مقدس برشته تحریر
میآورد.

موقع و شرح نزول و تسمیه کتاب

در دوره اقامت حضرت بهاءالله در بغداد که از ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۶۹ هجری (۸ آوریل ۱۸۵۳) تا ۱۴ ذیقعدہ ۱۲۷۹ هجری (۳ مه ۱۸۶۳) بطول انجامید و منتهی باظهار امر آنحضرت در باغ نجیبیه بغداد شد چه در آن شهر و چه در هجرت به کردستان و سلیمانیه کتب و تفاسیر و آثار کثیره‌ای از قلم مبارکشان صادر شد که از لحاظ موضوع مشتمل بر مسائل عرفانی و اخلاقی و حل مشکلات کتب مقدسه و توضیح و تبیین مسائل علمی و اعتقادی و علی‌الخصوص هدایت و تربیت اهل بیان و مستعد کردن آنان برای استماع ندای جدید الهی بود و آنچه از آثار مبارکه که صدور آنها بیشتر در ایام اقامت در اسلامبول و ادرنه یعنی از اول ربیع الاول ۱۲۸۰ (۱۶ اوت ۱۸۶۳) تا ۲۲ ربیع الثانی ۱۲۸۵ (۱۲ اوت ۱۸۶۸) اتفاق افتاد در مقام اول قسمت عمده الواح خطاب به سلاطین و ملوک و زمامداران عالم بود که در آن ایام امر الهی طی الواح مذکوره به رؤسای سیاسی و دینی مشهور ایران و سایر کشورهای جهان صریحاً و علناً ابلاغ گردید و عموماً از ادرنه و یا عکا برای آنها ارسال شد.

حضرت بهاءالله پس از يك سفر طولانی پر مشقت بنا به تصمیم دو دولت عثمانی و ایران در تاریخ ۳۱ اوت ۱۸۶۸ مطابق

۱۲ جمادی الاولى سنة ۱۲۸۵ به شهر عكا ورود فرموده و در قشله نظامی آن شهر مسجون و محبوس گردیدند. گر چه هدف اعلاى ديانت بهائى كه در الواح ملوك و سلاطين و ساير الواحى كه تا اين تاريخ نازل شده مشخص و معلوم گرديده و نقطه نظرگاهش كه توجه به وحدت حقيقيه نوع بشر و ارتقاء بمرتبه على انسانيت است اعلان گرديده بود معذلك پس از "فصل اكبر" (۵) و اعلان امر جديد و استقلال شريعت بهائى، مؤمنين همواره منتظر صدور احكام فردى مشتمل بر اوامر و نواهى شريعت جديد بوده و تكليف خود را از جهت فرائض و احكام ظهور جديد خواستار بودند تا آنكه اين استدعا مقرون باجابت گرديد و در سالهاى اول ورود به سجن كتاب مستطاب اقدس نازل شد چنانكه در خود كتاب ميفرمايند قوله تعالى:

"قد حضرت لدى العرش عرائض شتى من الذين آمنوا و سألوا فيها الله ربّ ما يرى و ما لا يرى ربّ العالمين لذا نزلنا اللوح و زيناه بطراز الامر لعلّ الناس باحكام ربّهم يعملون و كذلك سئلنا من قبل فى سنين متواليات و امسكنا القلم حكمةً من لدنا الى ان حضرت كتب من انفس معدودات فى تلك الايام لذا اجبناهم بالحق بما تُحییٰ به القلوب" (۶)

و در لوح خطاب به "جناب مير عبدالرحيم الذى فاز" اين بيان مبارك مسطور است:

"ق م ص قد انزلنا فى السّجن كتاباً سمى لدى العرش بالكتاب الأقدس و فيه شرعنا الشرايع و زيناه باوامر ربّك الأمر على من فى السّموات و الارضين قل يا قوم تمسكوا به ثمّ اعملوا بما نزل فيه من بدائع احكام ربّكم الغفور الكريم انه ينفعكم فى الدّنيا و الآخرة و يطهركم عمّا لاينبغى انه لهو المدبّر المبيّن المعطى البازل العزيز الحميد"

(۷)

و نیز در یکی از آثار بامضاء خادم راجع به تاریخ صدور کتاب

اقدس چنین مسطور است:

"در این حین به آیه مبارکه کتاب اقدس که در اول سجن
از ملکوت مقدس نازل متذکر شدم" (۸)

و در اثری دیگر بامضاء خادم است:

"این بسی واضح که کتاب اقدس از سماء مشیت نازل شد
و در سنین معدوده مستور بود تا آنکه جمعی از نفوس
مقبله موقنه از اطراف از احکام الهی سؤال نمودند و
بکمال عجز و ابتهال سائل شدند لذا امر بارسال کتاب
اقدس شد." (۹)

در قسمت دوّم ترجمه 'کتاب قرن بدیع' شرح مبسوط و جامعی به
قلم حضرت شوقی ربّانی ارواحنا لرمسه الاطهر فدا درباره کیفیت
نزول و بعضی مطالب و آیات کتاب اقدس مندرج است که مطالعه
آن طالبین را از هر شرح و توضیح دیگری راجع به این کتاب کریم
بی نیاز می کند. در کتاب مذکور در مورد محل و سال نزول
کتاب اقدس این بیان صریح مندرج است:

"کتاب اقدس پس از انتقال جمال اقدس ابهی به بیت
عودی خمار در سال ۱۸۷۳ میلادی در ایّامی که هنوز آن
وجود مبارک از طرف دشمنان خارج و دوستان داخل هر دو
بمصائب بی منتهی محاط و گرفتار از سماء مشیت
رحمانیه نازل گردیده است" (۱۰)

از مجموعه آثار مبارک مندرج در این قسمت و دیگر
قرائن موجود در اصل کتاب چنین مفهوم است که نزول کتاب
مستطاب اقدس در سال ۱۸۷۳ میلادی و در محل بیت مذکور
خاتمه یافته و کلمه "سجن" در آیات جمال قدم به بیت عبود یا
عودی خمار که شرائط و مشقات مسجونیت کماکان در آنجا نیز بر
قرار بوده اطلاق گردیده است.

مرجعیت، عظمت و القاب و نامهای دیگر

کتاب اقدس

با نزول کتاب بیان از سماء مشیت حضرت نقطه اولی و قبل از نزول کتاب اقدس، از لحاظ اجرای احکام در دوره جدید مرجع مؤمنین و پیروان اولیه کتاب بیان بود که حضرت بهاءالله بنفسه در آن ایام دستور و تأکید به اجرای احکام و توجه تام به کتاب بیان فرمودند. چنانکه در لوح احمد فارسی (۱۱) باین نکته تصریح گردیده است. و نیز در لوح نصیر صادر در ادرنه میفرمایند:

"و علیلان صحرای جهل و نادانی را اقرب من لَمَح البصر

به منظر اکبر که مقام عرفان منزل بیان است رساند" (۱۲)

و در سورة القمیص میفرمایند قوله تعالی:

"فابتغوا امرالله و سننه بما نزل فی البیان" (۱۳)

ولی با صدور کتاب مستطاب اقدس و انشاء احکام جدید و تأیید و امضاء قسمتی از احکام دور بیان کتاب اقدس مرجعیت تامه قطعی یافت و محل توجه مؤمنین قرار گرفت. در لوح اشراقات حضرت بهاءالله میفرمایند قوله الاعلی:

"حضرت مبشر روح ما سواه فداه احکامی نازل فرموده اند

ولکن عالم امر معلق بود بقبول، لذا این مظلوم بعضی را

اجراء نمود و در کتاب اقدس بعبارات اخری نازل و در بعضی توقف نمودیم، الامر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید و بعضی از احکام هم بدعاً نازل طوبی للفائزین و طوبی للعاملین" (۱۴)

"حق شاهد و ذرات کائنات گواه که آنچه سبب علو و سمو و تربیت و حفظ و تهذیب اهل ارض است ذکر نمودیم و از قلم اعلی در زیر و الواح نازل از حق میطلبیم عباد را تأیید فرماید آنچه این مظلوم از کلّ طلب مینماید عدل و انصاف است باصغاء اکتفاء ننمایند و در آنچه از این مظلوم ظاهر شد تفکر کنند" (۱۵)

موضوع معلق بودن احکام بیان بقبول، اشاره به تأکیدات حضرت نقطه اولی در کتاب بیان و سایر توقیعات است که احکام صادره از قلم خودشان را موکول بقبول و امضاء "من یظهره الله" کرده و آن موعود عظیم را در قبول یا ردّ احکام بیان مختار مطلق دانسته اند. و در لوح دیگری این بیانات مبارکه نازل گردیده است قوله تعالی:

"باید بکمال محبت و بردباری ناس را بیحر معانی متذکر نمود. کتاب اقدس بنفسه شاهد و گواه است بر رحمت الهیه بانبساطی نازل شده که ذکر آن ممکن نه اوست مغناطیس اعظم از برای جذب افتدۀ عالم سوف یظهرالله فی الارض سلطانه انه لهو المقتدر القدير" (۱۶)

و در لوحی دیگر چنین مذکور است قوله العظیم:

"تمسکوا بالکتاب الاقدس الذی انزله الرحمن من جبروته المقدس المنیع انه لمیزان الله بینکم یوزن به کلّ الاعمال من لدن قوی قدیر" (۱۷)

و در لوحی دیگر میفرمایند قوله الکریم:

"... و نوصیکم یا احبائی بتقوی الله و اتباع ما نزل فی کتابه المحفوظ و انه لکتاب الاقدس" (۱۸)

و نیز حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح میفرمایند:

"در خصوص بیان مرقوم نموده بودید که ترجمه شده است کتاب بیان به کتاب اقدس جمیع احکامش منسوخ است مگر احکامی که در کتاب اقدس مذکور و تأکید شده است مرجع کل کتاب اقدس است نه بیان احکام بیان منسوخ است..." (۱۹)

همانطور که در بیانات مبارکه مذکوره تصریح شده است این نسخ تنها ناظر به احکام عملیه و فرائض شرعیه است و الا سایر موضوعات مندرج در کتاب بیان از مسائل عالیه عرفانی و اخلاقی و ادعیه و مناجات و تشریح و بیان حقائق ادیان و توضیح متشابهات قرآن کریم و تأکید در محجوب نماندن بشؤون ظاهره و آماده بودن برای درك و دریافت حقیقت، مانند سایر کتب مقدسه الهیه در ادوار قبل مشمول نسخ نبوده و نخواهد بود و گرچه معارف دیانت بهائی که آخرین رنه ملکوتی در این عصر و زمان است بمنزله بحر زخار و مواجی است که از هر جهت شمول و غلبه و جامعیت نسبت بادیان قبل دارد معذک نمیتوان همان مسائل و موضوعاتی را که بطور اجمال و اختصار و یا در لباس تشبیه و مثال در معارف ادیان قبل مذکور و در این دور بدیع مشروح و مفصل آن بیان شده است منسوخ دانست. مناسبت تأکید مطلب در این مقاله آنست که درباره جامعیت و عظمت کتاب اقدس نیز این نکته را متذکر باشیم که درست است که قسمت اعظم احکام در کتاب اقدس تشریح شده ولی این کتاب تنها مجموعه احکام نیست بلکه تعیین کننده مسیر اندیشه و اعتقاد صحیح برای مردم جهان و واضع معیار و مقیاس دقیق برای افکار و اعمال انسان و طراح اساس جامعه و دنیائی جدید مبتنی بر اصول اخلاق و انسانیت و پرورش دهنده جوهر و حقیقت الهی مندمج و نهفته در نهاد آدمی میباشد. و اگر در آن کتاب بمنظور ایجاد نظم در جامعه دینی و استقرار اساس تربیت روحانی بتشریح فرائض صلوة و صوم و ادای حقوق و غیر ذلك نیز اقدام فرموده است در عین حال عمل جدا از معرفت و عبادت جز

بمنظور تقرب بمبدأ آفرینش و دریافت حلاوت روحانی آنرا هرگز اراده نفرموده و برای اجرای احکام دینی مبنای معرفت و هدف عشق به حقیقت و علاقه معنوی را ضروری شمرده است.

راجع به لزوم توجه و عمل بموجب احکام مندرج در آن کتاب در یکی از الواح حضرت بهاءالله این بیانات عالیات مذکور است قوله تعالی:

"ان اعمل یا عبد بما نزل فی الكتاب الاقدس تالله انه لمیزان الهدی بین الوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات"

و نیز در لوحی دیگر چنین میفرمایند:

"طوبی لنفس عملت بما انزله الرحمن فی کتابه الاقدس الذی تزین بالاحکام قل ان الكتاب هو سماء قد زیناها بانجم الاوامر و النواهی یشهد بذلك من عنده امّ الالواح"

و نیز میفرمایند:

"... کتاب اقدس بشأنی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرایع الهیه است طوبی للقارئین طوبی للعارفین طوبی للمتفکرین طوبی للمتفرسین و بانبساطی نازل شده که کلّ را قبل از اقبال احاطه فرموده سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره ان ربك لهو العليم الخبير" (۲۰)

حضرت ولی امرالله جل شأنه در لوح قرن احبای شرق القاب و صفات منیعه‌ای را که در آثار کثیره حضرت بهاءالله درباره کتاب اقدس بکار رفته است و نیز در کتاب قرن بدیع تعبیرات و خصوصیات را که در مورد احکام مندرجه در آن سفر جلیل در الواح الهیه مذکور است بتفصیل بیان فرموده‌اند بطوریکه نفس این تعبیرات و اطلاقات خود شاهد بر عظمت و جامعیت آن کتاب است. القاب و اسامی دیگر این کتاب مندرج در لوح قرن بنقل از آثار حضرت بهاءالله عبارتند از: "فراة الرحمة"، "سفینة الاحکام"، "میزان العدل"، "اورشلم جدید نازل از سماء"، "رق منشور"، "سفر قدیم"، "صحیفه علیا"، "مرجع اعلی"، "حجة عظمی"،

"مشكوة الفلاح في ملكوت الابداع"، "قسطاس الهدى بين الورى و برهان الرحمن فى الارضين و السموات"

و نیز احكام و حدود الهيّه به صفات "روح الحيوان لمن فى الامكان"، "حصن حصين"، "اثمار سدره امرالله"، "السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم"، "مصباح الحكمة و الفلاح"، "عرف قميص"، و "مفاتيح رحمت الهى" توصيف گرديده اند.

و بالاخره حضرت ولى امرالله در كتاب قرن بديع در خصوص هيمنه و قهاريت و سطوت و نفوذ كتاب اقدس چنين شهادت ميدهند قوله المتين:

"اين اعلان هر چند بنفسه خبير و عظيم و فريد و فخيم بود ولى هنوز تباشير ظهور قدرت خلاقه شديدتر و عظيم تری محسوب ميگردد و آن نزول كتاب اقدس از جبروت مقدس الهى است كه خداوند منان در كتاب ايقان بدان اشاره فرموده و آنرا مهيمن بر جميع كتب و صحف الهيّه شمرده است. اين سفر بديع مخزن احكام و شريعت ربّانية است كه اشعيای نبى بدان بشارت داده و حضرت يوحنا در مكاشفات خویش به "سماجدديد" و "ارض جديده" و "هيكل ربّ" و "مدينة مقدسه" و "عروس" و "اورشليم جديده النازل من السماء" تشبيه نموده است.

"اين كتاب مقدس كه حدود و احكامش مدت يكهزار سال ثابت و لن يتغير مانده و نفوذ و سطوتش اهل ارض را احاطه خواهد نمود اعلى و اجلى ثمرة اسم اعظم و امّ الكتاب دور اعزّ اقدس ابهى و منشور نظم بديع اسنى در اين قرن امنع افخم محسوب است" (۲۱)

و در نفس كتاب اقدس درباره عظمت آن رقّ منيع چنين مسطور است قوله تبارك و تعالى:

"هذا كتاب اصبح مصباح القدم للعالم و صراطه الاقوم بين العالمين قل انه لمطلع علم الله لو انتم تعلمون ... قل تالله الحق لا يغنيكم اليوم كتب العالم و لا ما فيه من الصّحف"

الآ بهذا الكتاب الذى ينطق فى قطب الابداع انه لا اله الا
انا العليم الحكيم.

"قل هذا روح الکتب قد نفخ به فى القلم الاعلى و انصعق
من فى الانشاء الآ من اخذته نفحات رحمتى و فوحات
الطافى المهيمنة على العالمين ... من يقرء آية من آیاتى
لخير له من ان يقرء كتب الاولين و الآخريين" (٢٢)

نظری به بعضی آیات کتاب اقدس

تربیت الهی و لطف و موهبت ربّانی بطور دائم و مستمر بر عالم وجود افاضه میشود و این فیض و تربیت الهی در هر دوری از ادوار بمقتضای ایام و ازمنه بوسیله نفس مقدّسی که اراده او اراده الله است بجامعه انسانی ابلاغ و عرضه میشود. سنت لن یتغیّر الهی بر این قاعده استوار است و اخذ فیوضات ربّانیه جز از این طریق میسر و متصوّر نمی باشد. بنابراین کمال سعادت هر فردی از افراد انسانی در این است که در طول زندگی خود در این عالم به مبدأ و منشأ تربیت الهی پی برد و به اراده او که عین خواست و اراده الهی است عامل گردد.

ممکن است بعضی نفوس بدون آنکه مظهر الهی را شناخته و بمقام معرفت رسیده باشند نادانسته و یا در اثر عادت و یا بسائقه وجدان فردی به اعمال حسنه و مقتضای رضای خداوندی عامل باشند و مسلمّ است که اعمال این نفوس ممتاز از مادون بوده و مخصوصاً اگر با نیت خیر توأم و از خودخواهی و ریا مبرّی باشد قابل ستایش و تقدیس است. ولی باین نکته دقیقه باید توجه داشت که اثر اعمال برّیه که با عرفان مظهر الهی همراه نبوده و مبتنی بر آن نباشد بهر حال محدود و بی دوام است و یقیناً سرّ ادامه و توسعه و پایداری ادیان الهی در عالم و

مخصوصاً نفوذ و تسلسل اوامر و احکام دیانت در جوامع مختلف و در زمان طولانی همین است که تعالیم ادیان با ایمان به مظهر الهی همراه بوده و ریشه تعالیم و دستورات الهی در قلوب و ضمائر نفوس متمکن و استوار گردیده است. مطالعه تاریخ جوامع بشری این حقیقت را تأیید میکند که عمیق‌ترین و مؤثرترین عامل تحول و ترقی در تاریخ انسانی ادیان الهی بوده است.

شاید بتوان اعمال خیریه‌ای را که بر پایه عرفان مظهر امر استوار نیست و از دستورات او ناشی نمیشود به سایبانی تشبیه کرد که بهر حال در مدت محدودی برای فرار از مشقت گرما میتوان بدان پناه برد در حالیکه عملی که برای پیروی از تعالیم الهی انجام میشود و بر عرفان منزل آیات و تعالیم او استوار است بمنزله سایه‌های درختان پر برگ است که دائم و مستمر و با دوام بوده و اگر در فصلی برگها فرو ریزد در فصل دیگر تر و تازه‌تر نمایان میگردد... لذا عرفان بدون عمل نیز با ارزش نتواند بود. اولین عبارت کتاب اقدس به بیان این اصل اساسی اختصاص دارد که فریضة شناخت و عرفان مشرق وحی و مطلع امر را مقدم بر هر امری ذکر فرموده و درباره لزوم عرفان همراه با عمل میفرمایند:

"لانهما معاً لا یقبل احدهما دون الآخر" (۲۳)

برای تشریح شریعت و وضع احکام دو غایت و هدف اصلی ذکر شده است یکی "نظم عالم" و دیگر "حفظ امم". اهل خرد و بصیرت مقصد و منظوری از ایجاد شریعت و قانون جز "نظم و حفظ" جامعه مشاهده نمیکنند و با توجه به این مقصد اصلی است که افراد مؤمن و عامل بدستورات الهی از بحث و تحقیق راجع به فوائد و مصالح ذاتی هر حکم بی‌نیاز بوده و اجرای مشتاقانه تعالیم و احکام صادره از مصدر امر الهی را لازمه عرفان و ایمان خود میدانند. کسانی که از این حقیقت غافل و بی‌خبرند بحقیقت متحیر و سرگردانند و در عالم اندیشه و اعتقاد و عمل مقرر و مستقری از برای آنان وجود ندارد بقوله تعالی:

"ان الذين اوتوا بصائر من الله يرون حدودالله السبب الاعظم
لنظم العالم و حفظ الامم و الذى غفل انه من همج
رعاع" (٢٤)

و در موضعی دیگر راجع به نظم مولود کتاب اقدس و اثر جامع
آن این آیه کریمه مندرج است:

"قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتيب
بهذا البديع الذى ما شهدت عين الابداع شبهه" (٢٥)

ايضاً:

"والمخلصون يرون حدود الله ماء الحيوان لاهل الاديان و
مصباح الحكمة و الفلاح لمن فى الارضين و السموات" (٢٦)

ايضاً:

"انا ربيناكم بسياط الحكمة حفظاً لانفسكم و ارتفاعاً
لمقاماتكم كما يربى الآباء ابنائهم لعمري لو تعرفون ما
اردنا لكم من اوامرنا المقدسة لتفدون ارواحكم لهذا الامر
المقدس العزيز المنيع" (٢٧)

عمل به احكام و حدود كتاب، هنگامی مفید و مؤثر است

و جان و روان آدمی را مسرور و ملتذ میکند که به عشق و

محبت الهی انجام شود. بهترین و عالی ترین عبادت آنست که

دارای لذت و حلاوت معنوی باشد و وقتی که حلاوت عبادت و

خدمت و عمل به احكام بواقع درك شود و بجان نشیند نه فقط

انجام آن کدورت و خستگی نمی آورد بلکه به خاطر درك لذت

بیشتر و عمیقتر، مکرر آن مطلوبست و همانطور که عشق و ایمان

محرك انسان در پیروی از دستورات است متقابلاً عمل بدستورات و

تعالیم الهی نیز عشق و ایمان و تمسك را شدیدتر میکند. در

کتاب مستطاب اقدس جهت و کیفیت لازم برای عمل به حدود و

احكام الهی با قدرت و عظمت و در عین حال لطف و رأفتی که

مخصوص به آیات این کتاب عظیم الشأن است در این آیه مبارکه

باین شرح بیان شده است قوله العظيم:

"قد تكلم لسان قدرتي فى جبروت عظمتي مخاطباً لبريتي

ان اعملوا حدودی حباً لجمالی طوبی لحیب وجد عرف
المحبوب من هذه الكلمة التي فاحت منها نفحات الفضل
على شأن لا توصف بالاذکار" (۲۸)

و در جای دیگر از آن کتاب است:

"یا ملاء الارض اعلموا انّ اوامری سُرُج عنایتی بین عبادی
و مفاتیح رحمتی لبریتی كذلك نزل الامر من سماء مشیة
ربکم مالک الادیان لو یجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من
فم مشیة الرّحمن لینفق ما عنده و لو یكون خزائن الارض
کلّها لیثبت امراً من اوامره المشرقة من افق العنایة و
الالطاف" (۲۹)

با وجود ضرورت اجرای احکام نباید مقصد از تشریح را منحصرأ
در این دانست که نفوسی عابد و زاهد و مُتشرّع در ظل دیانت
پرورش یافته و از مقصد اعلاّی تأسیس و تشریح غافل باشند.
بلکه اجرای عبادات و سایر احکام باید بعنوان وسیله ضروری جهت
وصول بمرتبه عالی انسانی تلقی شده و با تفکر و اندیشه و درک
دقائق معارف ربّانیه همراه باشد. در این خصوص این کلمات
عالیات در کتاب اقدس نازل است:

"لا تحسبنّ انا نزلنا لکم الاحکام بل فتحنا ختم الرّحیق
المختوم باصابع القدرة و الاقتدار یشهد بذلك ما نزل من
قلم الوحی تفکروا یا اولی الافکار" (۳۰)

در امر بهائی اشتغال بکار و کسب واجب و لازم و در
حکم عبادت است. راه راست و طریق صواب در زندگی، کار و
کوشش و تمسک باسباب و وسائل همراه با حالت توکل و تفویض
است. بدترین مردم آنانند که کار و کوشش رها کنند و روزی
طلبند. دستورالعمل زندگی در این کلام قاطع و شعار جامع از
کتاب اقدس خلاصه است:

"تمسکوا بحبل الاسباب متوکّلین علی الله مسبّ
الاسباب" (۳۱)

آیات متعددی از کتاب اقدس به منع از تظاهر و ریا و بی ارزش

بودن انزوا و گوشه نشینی و همچنین منع از استغراق در عباداتی که با خدمت بخلق و رضای الهی همراه نیست اختصاص دارد. از آنجمله چنین نازل گردیده قوله العزیز:

"مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْعِدُ صَفَّ النَّعَالِ طَلِباً لِصَدْرِ الْجَلَالِ قَلَّ
مَنْ أَنْتَ يَا أَيُّهَا الْغَافِلُ الْغَرَارُ" (۳۲)

و دیگر:

"لَا تَجْعَلُوا الْأَعْمَالَ شَرَكَ الْأَمَالِ وَ لَا تَحْرَمُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ
هَذَا الْمَالِ الَّذِي كَانَ أَمَلِ الْمُقْرَبِينَ فِي أَزَلِ الْأَزَالِ" (۳۳)

و همچنین:

"قَلَّ رُوحَ الْأَعْمَالِ هُوَ رِضَائِي وَ عَلَّقَ كُلَّ شَيْءٍ بِقَبُولِي اقْرَأُوا
الْأَلْوَاحَ لِتَعْرِفُوا مَا هُوَ الْمَقْصُودُ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ
الْوَهَّابِ" (۳۴)

آلودگی و دلبستگی شدید به شؤون دنیای فانی انسانرا از کسب فضائل معنوی و وصول به حقایق روحانی باز میدارد و ادامه چنین حالتی است که بتدریج موجب غلبه جنبه حیوانی بر خصیصه انسانی میگردد. بنابراین توجه به بی اعتباری و ناپایداری عالم ماده و شؤون مادی و صرف اوقات در کسب فضائل معنوی و ذکر الهی و خدمت به عالم انسانی ضرورت دارد و از لوازم این توجه، اندیشه مستمر در گذشته جهان و مرور دقایق زندگی فعلی بشر است. هنگامیکه انسان به حقیقت ناپایدار جهان پی برده و آنرا لمس نماید در آنصورت به هدایت تعالیم الهیه بهتر میتواند به آنچه برای حیات جاودانی او مفید و سودمند است تمسک جوید. در این خصوص میفرمایند:

"قَلَّ هَلْ رَأَيْتُمْ لَمَّا عِنْدَكُمْ مِنْ قَرَارٍ أَوْ وِفَاءٍ لَا وَ نَفْسِي
الرَّحْمَنِ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْصَفِينَ تَمَرَ أَيَّامَ حَيَاتِكُمْ كَمَا تَمَرَ
الْأَرْيَاحُ وَ يَطْوِي بَسَاطَ عِزِّكُمْ كَمَا طَوَى بَسَاطَ الْأَوَّلِينَ
تَفَكَّرُوا يَا قَوْمِ أَيْنَ أَيَّامِكُمُ الْمَاضِيَةِ وَ أَيْنَ أَعْصَارِكُمُ الْخَالِيَةِ
طَوْبِي لَأَيَّامِ مَضَتْ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ لَأَوَقَاتٍ صَرَفَتْ فِي ذِكْرِ
الْحَكِيمِ" (۳۵)

در هر عصر و زمان تنها مظهر الهی ظاهر در آن عصر است که کلامش تعیین کننده ارزشها و فارق بین حق و باطل است. اوست که طریق صواب را از ناصواب تعیین کرده و در عین حال خود مقدّس و منزّه از این اصطلاحات و برتر از قیود و محدودیتهاست، چون خورشید جهانتاب که مشرق و مغرب از حالات او نمودار و روشنی و تاریکی از او پدیدار است ولی خود بذاته نه شرقی است نه غربی و نه نور و نه تاریکی، چنین مقامی را درباره مظهر مقدّسه الهیه (۳۶) مقام "عصمت کبری" گویند که در دور بهائی اختصاص به حضرت بهاءالله و حضرت باب دارد و هر گونه فکر تقسیم یا تفکیک این مقام و یا دیگران را بهره مند از آن دانستن شرك محض است. (۳۷) در اینجا بی مناسبت نیست به این نکته توجه کنیم که یکی از علل انحراف پیروان ادیان قبل از صراط مستقیم امر الهی و تحزّب و تشعّب آنان معصوم دانستن نفوس و مقامات دیگر و غلوّ درباره ائمه و پیشوایان دینی بوده است. تأکید این موضوع اساسی در کتاب اقدس در واقع تعلیمی است از توحید حقیقی و تمسّک به عروة الوثقای الهی و تحذیر از شرك و انحراف در عقیده، قوله الاعلی:

"لیس لمطلع الامر شريك فی العصمة الكبرى انه لمظهر يفعل ما یشاء فی ملکوت الانشاء قد خصّ الله هذا المقام لنفسه و ما قدر لاحد نصیب من هذا الشأن العظیم المنیع. هذا امرالله قد کان مستوراً فی حجب الغیب اظهرناه فی هذا الظهور و به خرقنا حجاب الذین ما عرفوا حکم الکتاب و کانوا من الغافلین" (۳۸)

اعمال نیک و کردار پسندیده که ثمره ایمان و عرفان است وسیله مؤثر نصرت و پیشرفت امر الهی نیز میباشد و از این طریق و طریقه حکمت و بیان است که تبلیغ و اشاعه تعالیم ربّانیه باید تحقق یابد.

"انصروا مالک البریه بالاعمال الحسنه ثم بالحکمة و البیان
کذلك امرتم فی اکثر الالواح من لدى الرّحمن انه کان علی

و نیز در مقام استفاده از حقایق این امر و برای فهم و درک تکالیف از بیانات الهی، ظاهر کلمات منزله در کتب و الواح معتبر بوده و همان مفهوم صریح و روشن عبارات ملاک تشخیص و عمل افراد است بنابراین هر گونه تأویل یعنی خروج از ظاهر عبارات و یا تعبیری غیر از مفهوم اصلی کلمات، انحرافی عظیم محسوب است.

همچنین حقایق و اصول و مقاصد آئین بهائی و تکالیف و وظائف پیروانش در الواح صادره مذکور و مصرّح است. علیهذا هر گونه روایت و حکایت غیر مندرج در الواح بی اعتبار است و نبایستی بدانها تکلم و توجه نمود. در مقام تحذیر از تأویل نصوص این امر در کتاب اقدس این آیه مبارکه مندرج است قوله العزیز:

"انّ الذی یاوّل ما نزل من سماء الوحی و یخرجه عن الظاهر انه ممّن حرّف کلمة الله و کان من الاخسرین فی کتاب مبین" (۴۰)

و درباره منع از تکلم بغیر ما نزل فی الالواح:

"و الذی یتکلم بغیر ما نزل فی الواح انه لیس منّی ایاکم ان تتبعوا کلّ مدّع ائیم. قد زینت الالواح بطراز ختم فالق الاصباح الذی ینطق بین السموات و الارضین تمسکوا بالعروة الوثقی و حبل امری المحکم المتین" (۴۱)

در الواح و آثار متعدده حضرت بهاءالله در فضیلت عبودیت پروردگار و تمسک به آداب عالیّه انسانی و فضائل اخلاقی سفارشات و تأکیدات خارج از احصاء وجود دارد که در این مقام تیمناً فقط بذکر یکی از آن موارد که در کتاب اقدس مذکور است اکتفا میشود قوله الاعلی:

"زینوا رؤوسکم باکلیل الأمانة و الوفاء و قلوبکم برداء التقوی و السنکم بالصّدق الخالص و هیاکلکم بطراز الآداب کلّ ذلك من سچیة الانسان لو انتم من المتبصرین. یا اهل

البهاء تمسكوا بحبل العبودية لله الحق بها تظهر مقاماتكم
و تثبت اسمائكم و ترتفع مراتبكم و اذكركم في لوح
حفيظ. اياكم ان يمنعكم من على الارض عن هذا المقام
العزیز الرفیع. قد وصیناکم بها فی اکثر الالواح و فی هذا
اللوح الذی لاح من افقه نیر احکام ربکم المقتدر الحکیم.
(۴۲)

بعضی از مردم رهائی از قید احکام و دستورات الهی را دوست
داشته و طالب آنند و بدان فخر میورزند و حال آنکه این نوع از
آزادی عین اسارت است یعنی اسارت در بند هوسها و آمال
نفسانیه و این همان آزادی است که حیوان به آن گرفتار است.
همانطور که حیوانات تربیت شده و پرورش یافته بوسیله انسان قوا
و استعدادشان بهتر و بیشتر ظاهر شده و بر هم جنسان خود برتری
و امتیاز دارند بهمانگونه زندگی انسان در ظل سنن و آداب الهیه
و رعایت حدود اخلاقی و اجتماعی نه فقط موجب حفظ و سلامت
و پیشرفت معنوی جامعه انسانی میگردد بلکه موجبات پرورش
گوهر و استعداد فردی را نیز فراهم میکند. در واقع لزوم پیروی
از تعالیم دین و اخلاق را خرد و اندیشه آزاد آدمی تأیید و تصدیق
کرده و چنین محدودیت و رعایتی را برای نظم جامعه و سلامت
جان و روان انسان تجویز میکند و مسلم است وقتی که با هدایت
عقل دوربین پیروی از آداب رحمانی پذیرفته شد بحقیقت کمال
استفاده از آزادی وجدان و اندیشه بعمل آمده و نمیتوان چنین
کیفیتی را بعدم آزادی تعبیر کرد. مخصوصاً در این دور از زمان
آزادی حقیقی در پیروی از اصول و تعالیم آخرین مکتب تربیت
الهی است که انواع آزادیهای اساسی یعنی آزادی فکر و وجدان،
آزادی از ظنون و اوهام بی فایده، آزادی از خرافات و پندارهای
بی اساس و بالاخره آزادی از قیود وهم و تعصب را برای پیروان
خود تأمین کرده و امر به رفع تمامی محدودیتهای موجود در
جامعه بشری و استقرار وحدت عالم انسانی فرموده است:

"أنا نرى بعض الناس ارادوا الحرية و يفتخرون بها اولئك

فی جهل مبین... (۴۳)

"ان الحرّیة تخرج الانسان عن شؤون الادب و الوقار و
تجعله من الارذالین ... (۴۴)

"انا نُصدّقها فی بعض المقامات دون الآخر اناکنا عالمین.
قل الحرّیة فی اتّباع اوامری لو انتم من العارفین. لو اتّبع
النّاس ما نزلناه لهم من سماء الوحی لیجدن انفسهم فی
حرّیة بحتة... (۴۵)

"قل الحرّیة التي تنفعکم انّها فی العبودية لله الحق و الذی
وجد حلاوتها لا یبدلها بملکوت ملک السمّوات و
الارضین" (۴۶)

نیکوکاری، تقوی، خیرخواهی و محبت با بنی نوع انسان قطع نظر
از محدودیت‌های ظاهری و قراردادی از اساس مسلم شریعت بهائی
است که در اکثر الواح مورد تأکید قرار گرفته است. همه ما
بندگان خدا بوده هستی ما از او و برگشتمان نیز بسوی اوست.
در هر آن باید مراقب باشیم که خودخواهی و حمیت جاهلیه ما را
بدام غرور و استکبار نکشاند. در کتاب اقدس چنین میفرمایند
قوله تعالی:

"... ویوصیکم بالبرّ و التقوی ... لا ترضوا لاحدٍ ما لا
ترضونه لانفسکم اتقواالله و لا تکوننّ من المتکبّرین" (۴۷)
"... عاشروا مع الادیان بالروح و الرّیحان لیجدوا منکم
عرف الرّحمن ایّاکم ان تأخذکم حمیة الجاهلیة بین البریة
کلّ بُدء من الله و یعود الیه انه لمبدء الخلق و مرجع
العالمین" (۴۸)

خطابات به علماء و زمامداران و اهل بیان

چنانکه در جوامع انسانی مخصوصاً در ادوار و ازمینه پیشین معمول و متداول بوده است افراد ناس در پیروی از کیش و آئین و انتخاب عقیده، همواره به روش و کردار بزرگان جامعه مخصوصاً پیشوایان دینی توجه داشته و عموماً طریقه و روش آنان را ملاک معتقدات خود دانسته‌اند و چون در موقع طلوع مظاهر الهی و مرییان آسمانی معمولاً روی مردم بسوی علما و پیشوایان دینی است و قضاوت آنان را در امر جدید معتبر و قاطع میدانند لذا اگر در هر زمان طبقه بظاهر ممتاز جامعه مخصوصاً بزرگان دین و شریعت گرفتار خود خواهی و ریاست طلبی شده و ظهور جدید را انکار بلکه تکفیر کنند مردم عادی نیز به تبعیت آنان راه انکار و تکفیر و تدمیر در پیش میگیرند اینست که در همه کتب مقدسه علما و پیشوایان زمان مورد خطاب مخصوص قرار گرفته و به تقوی و حقیقت طلبی دعوت شده‌اند تا نه فقط خودشان بلکه گروههای کثیر از مردم را محروم از فیض و رحمت الهی و بی نصیب از تربیت جدید آسمانی نسازند. در کتاب اقدس خطاب به گروه علما میفرمایند قوله العظیم:

"استعینوا بالله یا معشر العلماء و لا تجعلوا انفسکم
حجاباً بینی و بین خلقی كذلك یعظکم الله و یامرکم
بالعدل لئلا تحبط اعمالکم و انتم غافلون" (۴۹)

و باید مراقب باشند که باصطلاحات قبل و قواعد و علوم ظاهره

که آنها را برای خود قطعی و یقینی پنداشته‌اند از مبدأ و منشأ علوم ربانی محتجب نمانند قوله الکریم:

"اَيَاكُمْ اَنْ يَمْنَعَكُمْ ذِكْرُ النَّبِيِّ عَنْ هَذَا النَّبَاِ الْاَعْظَمِ اَوْ
الْوَلَايَةِ عَنْ وِلَايَةِ اللّٰهِ الْمَهِيْمَةِ عَلٰى الْعَالَمِيْنَ" (۵۰)

ايضاً:

"قُلْ يَا مَعْشَرَ الْعُلَمَاءِ لَا تَتَزَنُوا كِتَابَ اللّٰهِ بِمَا عِنْدَكُمْ مِنَ
الْقَوَاعِدِ وَالْعُلُومِ اِنَّهٗ لَقِسْطَاسُ الْحَقِّ بَيْنَ الْخَلْقِ قَدْ يُوْزَنُ مَا
عِنْدَ الْاُمَّمِ بِهَذَا الْقِسْطَاسِ الْاَعْظَمِ وَاِنَّهٗ بِنَفْسِهٖ لَوْ اَنْتُمْ
تَعْلَمُوْنَ" (۵۱)

مقایسه چگونگی عکس العمل يك فرد بسیط و ساده دل با تقوی (ملا جعفر گندم پاك كن اصفهانی) با اعلم علمای شیعه (شیخ محمد حسن نجفی صاحب "جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام") که در دام خودپرستی و ریاست طلبی گرفتار بوده در مقابل ندای مظهر الهی، عالیترین نمونه بیان این حقیقت است که چگونه در احیان ظهورات الهیه جواهر و بواطن نفوس بشری آشکار شده و ارزشهایی را که مردم به زعم خود شناخته‌اند دگرگون میشود. اعلم علمای زمان بحضیض کفران و انکار و استکبار سرنگون شده و يك مرد عادی معمولی به اوج عرفان و ایقان ارتقاء می‌یابد و مصداق "وجعلنا اعلاکم اسفلکم و اسفلکم اعلاکم" (۵۲) تحقق می‌یابد:

"اذكروا الشَّيْخَ الَّذِي سَمِّيَ بِمُحَمَّدٍ قَبْلَ حَسَنِ وَ كَانُ مِنَ
اعْلَمِ الْعُلَمَاءِ فِي عَصْرِهِ لَمَّا ظَهَرَ الْحَقُّ اَعْرَضَ عَنْهُ هُوَ وَ
امثاله و اقبل الى الله من ينقى القمح و الشعير ... " (۵۳)

در مقام دیگر لسان عظمت به این بیان جامع عظیم ناطق است:
"يا مَعْشَرَ الْعُلَمَاءِ اَيَّاكُمْ اَنْ تَكُونُوا سَبَبَ الْاِخْتِلَافِ فِي
الْاَطْرَافِ كَمَا كُنْتُمْ عَلَّةَ الْاِعْرَاضِ فِي اَوَّلِ الْاَمْرِ اَجْمَعُوا
النَّاسَ عَلٰى هَذِهِ الْكَلِمَةِ الَّتِي بِهَا صَاحَتِ الْحِصَاةُ الْمَلِكُ لِلّٰهِ
مَطْلَعُ الْاَيَاتِ كَذٰلِكَ يَعْظُمُ اللّٰهُ فِضْلًا مِّنْ عِنْدِهٖ اِنَّهٗ لَهُوَ
الْغَفُورُ الْكَرِيْمُ" (۵۴)

و همچنین علاوه بر سورة الملوك كه خطاب عمومى جامع به زمامداران عالم از ملوك و رؤسای جمهور و وزراء و وكلاى مجالس است و علاوه بر الواح سلاطین كه خطاباتى مخصوص هر يك از سلاطین معاصر با این ظهور اعظم بوده و متضمن اعلان طلوع امر الهی و ارائه طرق سعادت و رفاه امم عالم میباشد، در كتاب اقدس نیز پاره‌ای مطالب اساسی در این زمینه مسطور است. از آنجمله تحذیر میفرمایند كه مبدا غرور و مقام ظاهره، ملوك و زمامداران را از اقبال به دین حق باز دارد و همچنین اطمینان میدهند كه هدف و برنامه امر الهی متوجه قلوب مردم است و مقصدی جز تجدید روحانیت و تأسیس فضائل اخلاقی و كمالات انسانی در بین نیست و چه سعادت‌مند است زمامداری كه این مقام را بشناسد و به نصرت امر و ترویج تعالیم الهی قیام كند. قوله العزيز خطاباً للملوك:

"أياكم ان يمنعكم الغرور عن مشرق الظهور او تحجبكم الدنيا عن فاطر السماء ... تالله لانريد ان نتصرف فى ممالككم بل جئنا لتصرف القلوب انها لمنظر البهاء يشهد بذلك ملكوت الاسماء لو انتم تفقهون ... طوبى لملك قام على نصرة امرى فى مملكته و انقطع عن سوائى ... انه بمنزلة البصر للبشر و العزة الغراء لجبين الانشاء و رأس الكرم لجسد العالم انصروه يا اهل البهاء بالاموال و النفوس" (۵۵)

و مقصود از اهل بیان گروهی از باییه یعنی پیروان حضرت نقطه اولی میباشد كه گرچه تحت این عنوان میزیستند ولی بدون توجه به تأكیدات شديدة آن حضرت در ایمان به من يُظهره الله یعنی حضرت بهاءالله متوقف مانده‌اند و این محرومیت و احتجاب از حق همانطور كه روش محجوبین ملل قبل بود به تقلید و تبعیت از زعمای آنان صورت پذیرفت و از آنجا كه در هیچيك از مكاتب الهی چون آثار حضرت باب اعظم وسائل و موجبات قبول بلا شرط دعوت مظهر ظهور بعد فراهم نشده بود و عهد و پیمان آن حضرت

مفری جهت ایراد و احتجاج در قبال دعوت الهی بجا نگذاشته بود
لذا آنانکه با وجود چنین بشارت و اندازاتی خود و پیروانشان را
محروم از فیض و الطاف ربّانی در ظهور حضرت بهاءالله نمودند
توان گفت که بیش از تمام ملل قبل گرفتار زیان و خسران معنوی
و سوء مآل شدند. معذک لحاظ عنایت بآنها متوجه است و در
الواح کثیره‌ای از حضرت بهاءالله به ورود به شریعه باقیه الهیه
دعوت شده و از اصرار بر انکار تحذیر شده‌اند از آنجمله در کتاب
اقدس خطاب به زعیم آن گروه است:

"قل یا مطلع الاعراض دع الاغماض ثم انطق بالحق بین
الخلق تالله قد جرت دموعی علی خدودی بما اراک مقبلاً
الی هواک و معرضاً عن خلقک و سواک ... هبّنی اشتبه
علی الناس امرک هل یشتهه علی نفسک خف عن الله ...
ایاک ان تمنعک الحمیه عن شطر الاحدیة توجه الیه و لا
تخف من اعمالک انه یغفر من یشاء بفضل من عنده ...
انما ننصحک لوجه الله ان اقبلت فلنفسک و ان اعرضت ان
ربک غنی عنک و عن الذین اتبعوک بوهم مبین" (۵۶)

احکام نازل در کتاب اقدس و اقسام آن

از نصوص صریحه الواح و آیات مقدسه چنین مستفاد است که مقصود اصلی از تشریح دیانت بهائی تحقق وحدت عالم انسانی و تأسیس فضائل و کمالات بشری است. یکی از شواهدی که مبین این مقصد اعلی است بیان صریح حضرت بهاءالله میباشد که در لوح وصیت میفرمایند قوله الاعلی:

"مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بیّنات اخمد نار ضغینه و بغضاء بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز" (۵۷)

و در همان لوح منیع است که:

"ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نمائید." (۵۸)

بنابراین و با توجه باین محور اصلی تشریح است که قسمت عمده آثار و بیانات مبارکه آن حضرت در کتب و الواح مختلفه برای تأسیس و تحکیم و توضیح این حقیقت و همچنین تشریح عوامل و وسائل وصول به این مرتبه بلند انسانی است و همانطور که در ابتدای این مقاله اشاره شد احکام عملیه فردی که سبب و علت نزول آن همانا استقرار نظم الهی و تحقق همان مقصد اعلی میباشد فقط قسمتی از گنجینه وسیع معارف بهائی را تشکیل میدهد که علاوه بر کتاب اقدس در بعضی از الواح مبارکه از

قبیل بشارت، اشراقات، تجلیات لوح صلوة و لوح رام و غیرها نیز قسمتهائی از آن مندرج بوده و بطور کلی در تعیین و تشخیص منابع احکام در دیانت بهائی پس از کتاب اقدس و رساله سؤال و جواب که جداگانه بذکر آن خواهیم پرداخت الواح مذکوره حضرت بهاءالله و سپس تبیینات قاطعه حضرت عبدالبهاء و بعد از آن بیانات و توضیحات حضرت ولی امرالله را باید منظور نظر داشت و در خصوص احکام غیر منصوصه و حل و توضیح موارد مبهمه نیز به دستورات صادره از بیت العدل اعظم الهی ناظر بود.

نزول احکام آسمانی در این دور بدیع خود بمنزله بابی جدید از فضل و موهبت یزدانی است که در این ایام بر وجه اهل عالم گشوده شده و بهائیان فعلی جهان در واقع جزء اولین نفوسی هستند که مشمول این لطف و عنایت گشته و توفیق اجراء احکام ربانی را یافته و به درك لذت و حلاوت معنوی اطاعت امر الهی نائل گشته اند.

گرچه تعدادی از احکام الهی اعم از اوامر و مناهی موضوعاً مسبوق به سابقه بوده و در کتب مقدسه قبل با تشریفات و آدابی دیگر نازل شده بودند معذک چه این دسته از احکام که سابقه نزول در ادیان قبل داشته و در کتاب اقدس با کیفیتی بدیع نازل شده اند و چه آنها که موضوعاً بی سابقه بوده و بدعاً و ابتدائاً در این امر اعزّ اعلی صادر و ابلاغ شده اند همه تحت عنوان احکام بهائی و در سلك نظم بدیع الهی تنظیم و ترتیب یافته و در هر حال به اکیلی امر جدید بهائی مزین و مطرز میباشند.

از احکام مهمه مندرج در کتاب اقدس و سایر الواح الهیه در مقام اول میتوان از امر به امانت و تقوی و خشیه الله و وحدت و صدق و وفا و حق پرستی و نوع دوستی و نهی از قتل نفس و جدال و نزاع و ریا و خودپرستی و سبّ و لعن و حتی "تکلم بما یتکدر به الانسان" نام برد که در همه این موارد تأکید و تحذیر بنوعی است که از اول ابداع تا یومنا هذا سابقه نداشته و در واقع

در هیچیک از مکاتب دینی و اخلاقی دستورات اخلاقی و اساس پرورش روحانی فرد بدین پایه از توجه و تأکید و مناعت و تقدیس نبوده است.

و باز در صدر احکام عملیه نازله که برای توجه انسان بمبدء آفرینش و رهائی او از غفلت و هوای نفس و خودپرستی تشریح شده فصل عبادات است که خود مشتمل بر انواع صلوة و صوم و حج و اذکار میباشد که کیفیت صدور هر يك و عمق و وسعت تأثیر اذکار و مناجاتهایی که بوسیله آنها توجه انسان بساحت قدس ذی الجلال معطوف شده و برای او رقت عواطف و تلطیف روح حاصل میشود بحدی است که وصف آن حالت و کیفیت غیر ممکن بوده و جز با تلاوت آن آیات و اذکار همراه با توجه تامّ به حلاوت و عظمت آن دست نتوان یافت.

و بعد از عبادات میتوان از احکام مربوط به لطافت و نظافت جسم و جان و بیان شقوق مختلفه آن و مخصوصاً تأکید در مراقبت مستمر از لطافت و پاکی جسم و لباس و محل سکنی و وسائل اکل و شرب و غیره نام برد.

دیگر مسائل مربوط به احوال شخصیه از قبیل احکام ازدواج و طلاق و حسن رابطه زوجین و افراد عائله و وجوب تربیت اولاد و احکام ارث و میراث و کفن و دفن و غیره میباشد که همه بنحوی بدع و بر مبنای روح شریعت الهیه در این دور که همانا ایجاد وحدت تامّة حقیقیه و ظهور عالیترین حقائق انسانیه میباشد تشریح گردیده اند و برای آنکه به برخی از موارد علت و فلسفه تشریح احکام که در متن آیات و بیانات مبارکه بدانها تصریح شده است پی برده و هدف غائی دیانت از خلال دستورات مدنی و اجتماعی و انتظامی نیز مشهود گردد در اینجا به چند مورد از آیات کتاب اقدس که در تعلیل وضع احکام بیان فرموده اند اشاره میشود.

راجع به معاشرت حقیقی صمیمی با جمیع ادیان و ملل میفرمایند قوله الکریم:

"عاشروا مع الاديان بالروح و الريحان ليجدوا منكم عرف
الرحمن اياكم ان تأخذكم حمية الجاهلية بين البرية كلّ بدء
من الله و يعود اليه انه لبدء الخلق و مرجع
العالمين" (٥٩)

و نیز:

"كذلك رفع الله حكم دون الطهارة عن كلّ الاشياء و عن
ملل اخرى موهبة من الله ..." (٦٠)

و راجع به همین موضوع در لوح طرازات است:

"با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمایند چه که
معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و
اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم است طوبی از برای
نفوسی که بحبل شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و
بغضا فارغ و آزاد" (٦١)

و نیز در حکم مربوط به ضیافت نوزده روزه در کتاب اقدس
میفرمایند عزّ بیانه:

"انّ الله اراد ان يؤلف بين القلوب ولو باسباب السموات و
الارضين" (٦٢)

و در احکام مربوط به ازدواج در بیان علت لزوم رضایت ابوی
زوجین در کتاب اقدس چنین مسطور است قوله جلّ کبریائه:

"انا لما اردنا المحبة و الوداد و اتحاد العباد لذا علّقناه
باذن الابوين بعد هما ..." (٦٣)

و همچنین در بیان اختیار زبان و خط عمومی در عالم چنین
مذکور قوله جلّ و علا:

"... هذا سبب الاتحاد لو انتم تعلمون و العلة الكبرى
للاتفاق و التمدن لو انتم تشعرون" (٦٤)

و بهمین ترتیب است احکام ارث و وصیت و جزا و دیات و غیره
و تأکید در تعلیم و تربیت و اشتغال بکار و کسب که این هر دو
حکم در حدّ وجوب شرعی میباشد.

بطور کلی احکام این ظهور اعظم را که قسمت عمده آن

در کتاب مستطاب اقدس و قسمتی دیگر در سائر الواح منیعة جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم نازل شده است میتوان بدو دستة تقریباً مشخص و ممتاز از یکدیگر تقسیم کرد و مسلم است که طبقه بندی قطعی و تدوین رسمی آنها در اختیار تنها مرجع ذیصلاح عالم بهائی یعنی بیت العدل اعظم میباشد.

قسمت اول و اهمّ و اعمّ احکامی است که خطاب به عموم اهل ادیان صادر و نازل گردیده و هر مؤمن متمسکی در هر زمان و در هر نقطه جهان مشتاق به اجرای اوامر و خودداری از منهیات آن میباشد.

قسمت دوّم احکامی است که نظر به محیط معتقدات مذهبی ایران و سوابق عقیده و سنّت و عرف و عادت مردم در زمان و مکان طلوع این نیر اعظم تشریح شده است. چون مؤمنین و پیروان اولیه از طرفی پرورش یافته محیط مذهبی ایران بوده و از طرف دیگر همین نفوس مبارکه بعلت سبقت در ایمان و ابراز مراتب عشق و عبودیت محضه و جانفشانی و فداکاری بی نظیر تاریخی حائز مقام ارجمند روحانی بوده و لحاظ عنایت به آنان متوجه بود لذا بعضی عقائد، عادات و آداب متدوال در آن ایام مورد ارزشیابی مجدد قرار گرفته و احکام چندی نیز در این زمینه وضع گردید که این احکام را میتوان گفت به اعتبار شیعیان و ایرانیان معاصر با ظهور اعظم نازل شده است.

از احکام قسمت اول، موضوعات مهم و اساسی فصل عبادات، نظافت، تبلیغ امرالله، احوال شخصیه، تعلیم و تربیت و نهی از قتل و سرقت و قمار و زنا و غیبت و افتراء و دروغ و حمل سلاح غیر مجاز و منع از تأویل کلمات الهیه و خرید و فروش غلام و کنیز و استغفار نزد عباد و تعرض و افتخار و استکبار بر یکدیگر و تکذبی و غیره میباشد و از احکام معدوده قسمت دوّم شاید بتوان نهی از صعود بر منبر و ذکر گفتن در کوچه و بازار و جواز پوشیدن حریر و خز و سنجاب و استعمال ظروف نقره و جواز بلکه تاکید در اصغاء اصوات و نغمات بشرط

عدم خروج از حالت ادب و وقار را نام برد که عموماً سابقه بحث و مجادله در فقه اسلامی داشته و بین فرق مختلفه مورد اظهار نظرهای مختلف قرار گرفته بودند.

این نکته را نیز باید اضافه کرد که قسمتی از احکام مذکوره در کتاب اقدس یا بعینه یا با وضعی دیگر در کتاب مبارک بیان قبلاً تشریح شده و حضرت نقطه اولیٰ جلّ ذکره الاعلیٰ ردّ یا قبول یا تغییر آنها را به اراده و اختیار من یُظهره الله که بفرموده مبارک، خود مُنزل واقعی آن بوده است محول فرموده بودند. اینستکه قسمتی از احکام این دور بدیع در کتاب بیان مسبوق به سابقه است ولی در هر حال ملاک مراجعه و عمل، کتاب اقدس و تبیینات و توضیحات صادره درباره آن میباشد.

در کتاب نظامات بهائی Baha'i Procedure به نقل از بیانات حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه راجع به اجرای احکام کتاب اقدس و موقع انتشار رسمی آن کتاب و غیر قابل نسخ بودن احکام آن و صلاحیت وضع و تشریح احکام غیر منصوصه بوسیله هیئت بیت العدل اعظم چنین مذکور است:

"حضرت ولی امرالله تبیین این نکته را از وظائف خود می‌شمارند که اجرای احکام کتاب اقدس منزله از قلم حضرت بهاءالله در مواردیکه آن احکام قابل اجرا بوده و با قوانین مدنی کشوری مغایرت مستقیم نداشته باشد بر هر فرد یا مؤسسه بهائی در شرق و غرب فرض و واجب است. عموم یاران باید بدانند که اجرای بعضی از احکام از قبیل صوم و صلوة و رضایت ابوین قبل از ازدواج و اجتناب از شرب مسکرات و قناعت بزوجه واحده در این ایام ضروری و عمومی است. بعضی دیگر از احکام با پیش بینی وضع جامعه‌ای که بتقدیر الهی از خلال احوال منقلب کنونی عالم بظهور خواهد رسید تشریح گردیده و چون موقع انتشار کتاب مستطاب اقدس فرا رسد این موضوع مورد تبیین و توضیح بیشتری قرار خواهد گرفت. آنچه که در کتاب مستطاب اقدس تشریح نگردیده و همچنین جزئیات امور و مسائل فرعیه که در

نتیجۀ اجرای احکام منزله حضرت بهاءالله به میان می آید باید
توسط بیت عدل عمومی وضع شود. این هیئت میتواند وضع
قوانینی نماید که متمم احکام منصوَصه حضرت بهاءالله باشد ولی
هرگز نخواهد توانست احکام منصوَصه حضرت بهاءالله را نسخ و یا
کوچکترین تغییری در آن بعمل آورد حتی ولی امرالله بهیچوجه حق
ندارد از وجوب اطاعت محضه نسبت به منصوصات این کتاب
خطیر و مقدّس بکاهد تا چه رسد به نسخ آن" (۶۵)

سبك و شكل ظاهر كلمات

هر گونه بحث علمی و ادبی در چگونگی سبك و ترتیب نزول آیات کتاب اقدس بطور کلی از عهدۀ امثال این نویسنده ناتوان خارج است. در این مورد فقط به دو نکته اساسی میتوان اشاره کرد.

اول اینکه جملات و آیات این کتاب عظیم کاملاً بدیع و بی مثل و نظیر است و بهیچوجه نمیتوان آن را به شیوه‌های متعددی که در نگارش منشآت عربی در گذشته و حال معمول و متداول بوده است قیاس کرد و نکته جالب اینکه با وجود بدیع بودن چنین سبك و روشی و اینکه نوع چنین نگارشی هیچگاه موضوع تدریس و تحصیل در مجامع ادبی نبوده است معذک بیش از سایر شیوه‌های متداول و آثار نویسندگان قدیم و جدید قابل فهم بوده و در ذهن و دل خواننده مؤثر واقع میشود.

برای آنکه علمای ظاهر و مغرور به علوم مکتسبه در مواجهه با چنین اثر مهیمنی مضطرب نشده و آنرا با موازین مجعوله بشری قیاس نکرده و موجبات گمراهی خود و دیگران را فراهم نکنند در متن کتاب کریم این آیه مبارکه نازل شده است
قوله تعالی:

"قل يا معشر العلماء لا تزنوا كتاب الله بما عندكم من

القواعد و العلوم انه لقسطاس الحق بين الخلق قد يوزن ما
عند الامم بهذا القسطاس الاعظم و انه بنفسه لو انتم
تعلمون" (٦٦)

نکته دیگر ترتیب و روش خاص و منظمی است که در
تدوین اصل کتاب بکار رفته و خطاب الهی با اساسی ترین موضوع
یعنی عرفان و عمل شروع و پس از ذکر موارد لازم برای پرورش
روحی و نظام اجتماعی و تعالیم فردی به شرائط و علائم بلوغ عالم
منتهی میگردد و همچنین در اکثر آیات کتاب اقدس همانطور که
اشاره رفت فلسفه و علت تشریح هر حکم نیز بیان شده و عظمت و
قدرت منشاء صدور حکم نیز مورد تصریح و تأکید قرار گرفته
است بطوریکه در مطالعه تفصیلی آیات و احکام کتاب اقدس در
بسیاری موارد میتوان سه قسمت متن حکم، علت وضع حکم،
قدرت و علم و احاطه مطلقه مصدر حکم را بخوبی تشخیص داد و
همین کیفیت است که اجرای احکام الهی و تأثیر و قدرت کلام را
امکان پذیر ساخته و در واقع عشق و ایمان از طریق فکر و
اندیشه انسانی موجب و علت عمل به تعالیم و دستورات الهیه
میگردد.

رساله سؤال و جواب

پس از نزول کتاب اقدس برای بعضی از مؤمنین در مورد اجرای بعضی از احکام سؤالاتی مطرح شد که بنا به اراده حضرت بهاءالله تمامی سؤالات مذکوره بوسیله جناب زین المقربین جمع آوری و یکجا به حضور مبارک تقدیم گردید و منجر به نزول رساله‌ای گردید بنام "سؤال و جواب" که در آن رساله در هر مورد بدو سؤال مطروحه درج شده و بلافاصله جواب آن ذکر گردیده است.*. بنا به نقل در کتاب "اسرارالآثار" ذیل لغت "سؤال" شاید اولین نسخه منتشره آن بخط میرزا محمد خوانساری (خوانسالار) در حدود سال ۱۳۱۷ ه. ق. (۱۸۹۹ میلادی) در طهران بوده است که در آغاز آن چنین مذکور میباشد:

"هو الله العلی الابهی سؤالاتی که در احکام الهیه نموده بودند از مطلع عنایت این اجویه مُشرق و لائح قوله جل کبریائه: جناب زین المقربین انشاءالله بعنایة الله در کلّ عوالم فائز باشید سؤالات شما لدى العرش مقبول چه که منفعت کلّ خلق در اوست و مخصوص امر نمودیم ترا که در احکام و آیات الهیه سؤال نمائی انا جعلناک مطلع الخیر للعباد باید در کلّ

* برای مطالعه کیفیت تألیف رساله سؤال و جواب به صفحه ۵ کتاب تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس (چاپ دارالانشاء، محفل ملی امریکا ۱۹۸۵ میلادی) رجوع فرمائید.

احیان ناس را باحکام الهیّه امر نمائید که شاید بما امر
به الله و بما ینتفع به انفسهم فائز شوند اگر چه نفوسی که
تابع اوامر الهی باشند کم مشاهده میشوند چنانچه حال
جمعی در بلدان به نور ایمان فائزند ولکن بعمل بما نزل
من عنده هنوز فائز نگشته اند مگر قلیلی و از قبل به آن
جناب نوشتیم که اگر حقوق الله را ادا مینمودند عباد آن
ارض آسوده بودند.

قبل از حکم نفسی مکلف نبوده و قلم اعلی در سنین
معدوده در انزال احکام و اوامر توقف نموده و این نظر
بفضل الهی بوده و اگر اهل امکان به ثمرات ما انزله
الرحمن عارف شوند کلّ به امرش قیام نمایند و به آنچه
فرموده عامل شوند... (۶۷)

رسالة سؤال و جواب را میتوان از نظر احکام متمم کتاب اقدس
دانست.

کتاب اقدس واضع صراط مستقیم امر الهی

پس از تأسیس دیانت و تشریح شریعت شریعت اهمّ امور تمهید وسائل لازم برای اداره جامعه مؤمنین در ازمنه آینده و وحدت و اتفاق نظر آنان برای تحقق مقاصد عالیّه دیانت و محفوظ ماندن از تشتّت و تفرقه است آنچه صراط مستقیم هدایت را مشخص ساخته و جامعه پیروان اسم اعظم را بحبل المتین امر الهی متمسک میسازد همانا عهد و میثاقی است که مؤسس آئین یزدانی از مؤمنین گرفته و آنان را بحصر توجه به آن مرکز قویم مأمور ساخته است. در کتب و آثار هیچیک از ادیان سلف تکلیف اداره جامعه و مرکز عهد الهی با صراحتی که در دیانت بهائی تعیین شده است مشخص و معلوم نبوده و جای بسی شکر و سپاس است که حضرت بهاءالله جلت قدرته و عظمته آسمان تعالیم و احکام و تربیت و هدایت خود را به دو کوکب درخشان مزین و منور ساخت. اول تعیین وجود مبارك غصن اعظم عبدالبهاء روح الوجود لعبوديته الفداست بعنوان مبین آیات و محل توجه اهل بهاء پس از صعود آن نیر اعظم بقوله تبارك و تعالی فی کتابه الاقدس:

”اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل
توجّهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل

همچنين ميفرمايند:

"يا اهل الانشاء اذا طارت الورقاء عن ايك الثناء و
 قصدت المقصد الاقصى الاخفى ارجعوا ما لا عرفتموه من
 الكتاب الى الفرع المنشعب من هذا الاصل القويم" (٦٩)

اساس روشن و متينى كه به اين ترتيب در كتاب اقدس
 پايه گذارى شد در لوح وصيت حضرت بهاءالله موسوم به 'كتاب
 عهدى' تجديد و تحكيم و توضيح گرديد و الواح وصاياى مباركه
 حضرت عبدالبهاء جل ثنائه نه فقط وظيفه تبين آيات و ولايت
 امر را بوجود و دوره حيات مبارك حضرت شوقى ربانى ولى مقدس
 امرالله امتداد داد بلكه وظيفه بيت العدل عمومى را كه در الواح
 مباركه جمال قدم جل ذكره الاعظم اساس و كيفيت تأسيسش تشريع
 شده بود تشريح و توضيح نمود و بنا بر اين الواح وصاياى حضرت
 عبدالبهاء را از جهت تحكيم و ادامه عهد و ميثاق الهى ميتوان
 متمم كتاب اقدس دانست كه حضرت ولى امرالله ارواحنا فداه بدان
 تصريح فرموده اند.

و ثانى آنكه در اين ايام و تا امتداد دور بهائى در جهان
 وضع و تشريع احكام غير منصوصه و مركزيت جهانى بهائى و
 هدايت تشكيلات امريه در سراسر عالم بسوى وحدت عالم انساني و
 اهداف عاليه بهائى در ظل بيت العدل اعظم الهى خواهد بود و بنا
 بر اين از جهت وضع احكام غير منصوصه اى كه بر پايه و در ظل
 تعاليم حضرت بهاءالله بوسيله بيت العدل اعظم انجام خواهد شد
 مجموعه احكام صادره از آن مرجع منصوص را امتداد و ادامه
 حكومت احكام كتاب اقدس بايد دانست.

نسخه های کتاب اقدس

در لوحی از حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا فضل الله
معاون التجار میفرمایند:

«کتاب اقدس را بخط من ادرك لقاء ربّه حضرت زین
المقرین علیه بهاء الله تطبیق نمائید ...» (۷۰)

اولین طبع کتاب در حدود سال ۱۳۰۸ هجری قمری
(۱۸۹۰-۱۸۹۱ میلادی) در بمبئی صورت گرفت که کتاب اقدس
به انضمام تعدادی دیگر از الواح مبارکه حضرت بهاء الله در یک
مجلد طبع و نشر یافت و چند سالی بعد از صعود نیز بهمان
ترتیب تجدید طبع یافت. اما کتاب اقدس بطور مستقل و تنها
نیز دو بار در طهران بچاپ رسید که چاپ اخیر آن که در هر
صفحه ۹ سطر دارد و تمام آن ۱۷۸ صفحه میباشد بهترین و
مرغوبترین چاپ از کتاب است که تا بحال منتشر گردیده و مسلم
است که انتشار رسمی کتاب با تعیین محل شروع و خاتمه هر
آیه ای از آن و هر گونه نظم و تدوینی که لازم داشته باشد تحت
هدایت و ارشاد بیت العدل اعظم الهی در آینده صورت خواهد
گرفت.

در این موقع که یکصدمین سال نزول آن کتاب آسمانی در

عالم بهائی جشن گرفته شده و اهل بهاء مشترکاً و مجتمعاً متوجه
حقایق عالیه الهی و هدایت ربّانی مندرج در آن سفر کریم میباشند
از اعماق قلب و با تمامی دل و جان به ساحت مُنزل علیم و
قدیرش رو آورده و برای توفیق در اجرای تعالیم و احکام الهیه و
جلب رضای او دعا میکنیم و صمیمانه بذیل کرم و عطایش
متوسلیم تا وسائل توجه جهانیان را به شریعة طاهرة ربّانیه فراهم
کرده و همگی را به آنچه سبب رستگاری و لایق ایام اوست مؤید
و موفق بدارد. انتهى

مآخذ و منابع

- ۱- حضرت بهاء الله، مجموعه الواح حضرت بهاء الله شامل کتاب مستطاب اقدس (معروف به اقدس بزرگ) (بمبئی: ناصری، ۱۳۱۴ ه.ق.) ص ۳۲. از این اثر از این پس تحت عنوان اقدس بزرگ یاد خواهد گردید.
- ۲- به نقل از کتاب قرن بدیع (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۵ ب) جلد ۲، ص ۲۴۶
- ۳- عبدالحمید اشراق خاوری، ایام تسعه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ ب) ص ۴۷۷ و حضرت عبدالبهاء، الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، چاپ ابوالقاسم گلستانه، ۱۳۴۴ ه.ق.، ص ۲۰-۲۱
- ۴- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب عبدالبهاء (قاهره: فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۲ م) جلد ۳، ص ۹۳
- ۵- حسن موقر بالیوزی، بهاء الله شمس حقیقت (*Bahá'u'lláh, The King of Glory*) ترجمه مینو ثابت، ص ۲۷۹-۳۱۶
- ۶- اقدس بزرگ، ص ۲۸
- ۷- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۴ ب)، جلد ۱، ص ۱۶۷
- ۸- اسدالله فاضل مازندرانی، امر و خلق (لانگنهاین: لجنة نشر آثار، ۱۴۱ ب) ج ۱، ص ۹
- ۹- اسرار الآثار، ج ۱ ص ۱۶۸
- ۱۰- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع (*God Passes By*) ترجمه نصرالله مودت، ج ۲، ص ۳۸۳
- ۱۱- حضرت بهاء الله، مجموعه الواح مبارکه (قاهره: سعادت، ۱۹۲۰ م) ص ۳۱۵، همچنین دریای دانش، (نیودهل: مؤسسه مطبوعات امری هندوستان، ۱۹۸۵ م) ص ۱۱۴-۱۳۰
- ۱۲- همان کتاب، ص ۱۶۷
- ۱۳- حضرت بهاء الله، آثار قلم اعلیٰ، ج ۴ طهران ۱۳۳ بدیع، ص ۴۰
- ۱۴- حضرت بهاء الله، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین: لجنة نشر آثار، ۱۳۷ ب)، ص ۷۷-۷۸ از این اثر از این پس تحت عنوان مجموعه ای از الواح یاد خواهد گردید.
- ۱۵- مجموعه ای از الواح، ص ۷۶-۷۷
- ۱۶- نقل از صفحه ۳ مجموعه آثار جمالقدم درباره کتاب مستطاب اقدس که بوسیله لجنة استنساخ الواح ایران زیر نظر جناب احمد یزدانی تهیه گردیده است

۱۷- اقدس بزرگ، ص ۶۲-۶۳

۱۸- اسرارالآثار، ج ۱، ص ۱۶۷

۱۹- نقل از نسخه خطی لوح حضرت عبدالبهاء، خطاب به جناب بشیرالهی با مطلع:
"ای بشیر من آنچه به جناب منشادی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید...".

۲۰- به نقل از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله خطاب به احبای شرق، لوح
قرن احباء شرق (نوروز ۱۰۱ بدیع) (لانگن‌هاین- آلمان: لجنه ملی نشر آثار

امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۹ ب ۱۹۹۲ م)، ص ۱۷۱

۲۱- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳

۲۲- اقدس بزرگ، ص ۴۹، ۴۵، ۳۶ و ۳۷

۲۳- اقدس بزرگ، ص ۲

۲۴- اقدس بزرگ، ص ۲

۲۵- اقدس بزرگ، ص ۴۸

۲۶- اقدس بزرگ، ص ۹

۲۷- اقدس بزرگ، ص ۱۴

۲۸- اقدس بزرگ، ص ۳

۲۹- اقدس بزرگ، ص ۳

۳۰- اقدس بزرگ، ص ۳

۳۱- اقدس بزرگ، ص ۱۰

۳۲- اقدس بزرگ، ص ۱۰

۳۳- اقدس بزرگ، ص ۱۱

۳۴- اقدس بزرگ، ص ۱۱

۳۵- اقدس بزرگ، ص ۱۲

۳۶- چون حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت محمد، حضرت نقطه اولی و
حضرت بهاءالله که هر یک شاعری مستقل میباشند.

۳۷- برای اطلاع کامل از معنی "عصمت کبری" و فرق بین عصمت ذاتی و عصمت
موهوبی به صفحه ۱۲۹ کتاب مفاوضات مراجعه فرمائید.

۳۸- اقدس بزرگ، ص ۱۵

۳۹- اقدس بزرگ، ص ۲۱

۴۰- اقدس بزرگ، ص ۲۹

۴۱- اقدس بزرگ، ص ۳۲

۴۲- اقدس بزرگ، ص ۳۲-۳۳

۴۳- اقدس بزرگ، ص ۳۳

۴۴- اقدس بزرگ، ص ۳۳

۴۵- اقدس بزرگ، ص ۳۳-۳۴

- ۴۶- اقدس بزرگ، ص ۳۴
- ۴۷- اقدس بزرگ، ص ۳۹
- ۴۸- اقدس بزرگ، ص ۳۹
- ۴۹- اقدس بزرگ، ص ۴۴
- ۵۰- اقدس بزرگ، ص ۴۴-۴۵
- ۵۱- اقدس بزرگ، ص ۲۸-۲۹
- ۵۲- مأخوذ از کلام حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه است. برای ملاحظه شرحی درباره این کلام به کتاب قاموس ایقان (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۸ ب، ج ۴، ص ۱۸۲۷-۱۸۲۹)
- ۵۳- اقدس بزرگ، ص ۴۴
- ۵۴- اقدس بزرگ، ص ۴۵
- ۵۵- اقدس بزرگ، ص ۲۴
- ۵۶- اقدس بزرگ، ص ۴۸-۴۹
- ۵۷- مجموعه ای از الواح، ص ۱۳۴
- ۵۸- مجموعه ای از الواح، ص ۱۳۵
- ۵۹- اقدس بزرگ، ص ۳۹
- ۶۰- اقدس بزرگ، ص ۲۲
- ۶۱- مجموعه ای از الواح، ص ۱۸
- ۶۲- اقدس بزرگ، ص ۱۷
- ۶۳- اقدس بزرگ، ص ۱۸-۱۹
- ۶۴- اقدس بزرگ، ص ۵۰
- ۶۵- نظامات بهائی (طهران: لجنه ملی نشر آثار امری)، ص ۶-۷
- ۶۶- اقدس بزرگ، ص ۲۸-۲۹
- ۶۷- اسرار الآثار، طبع ۱۲۹ ب، ج ۴، ص ۱۷۰-۱۷۱
- ۶۸- اقدس بزرگ، ص ۳۳
- ۶۹- اقدس بزرگ، ص ۴۶
- ۷۰- اسرار الآثار، ج ۱، ص ۱۶۳